

بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۸

همایون سراقی^۱، محمد مهدی صفورایی پاریزی^۲

چکیده

مفهوم‌شناسی از مباحث پیشینی در هر علمی است؛ تعریف خانواده به لحاظ جایگاه آن و به عنوان موضوعی بین رشته‌ای از ضرورت و اهمیتی مضاعف برخوردار است. اندیشمندان بر اساس رویکردهای مختلف، تعاریف زیادی از خانواده ارائه داده‌اند و این پژوهش درصدد است خانواده را بر اساس منابع اسلامی شامل قرآن کریم و روایات تعریف کند. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، منابع اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و هیجده عنصر به عنوان عناصر موثر در تعریف خانواده مورد شناسایی قرار گرفت: «بناء، پیمان زندگی مشترک، دائمی، یک زن و مرد، مسلمان، تمایلات جنسی، فرزندان، فرزند همسر، فرزندخوانده، پدربزرگ-مادربزرگ، آرامش، محبت، احساس مسئولیت، مسکن واحد، مدیریت مرد، تامین معیشت، محافظت و پرورش». روایی محتوای عناصر مذکور توسط نه کارشناس متخصص در علوم اسلامی مانند روان‌شناسی، کلام، قرآن، حقوق، ادیان، تاریخ و سیره» هستند سنجیده شد؛ از این میان دلالت مستندات بر شانزده عنصر مورد تایید کارشناسان قرار گرفت و دلالت مستندات بر دو عنصر «دائمی» و «فرزندخوانده» کافی تشخیص داده نشد. بر اساس مولفه‌های به دست آمده از منابع اسلامی تعریف خانواده به شرح زیر است: «خانواده بنائی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و بر اساس آن غالباً زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدر و مادربزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تامین معیشت مرد زندگی می‌کنند؛ زوجین نسبت به نیازهای هم به ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند.»

کلید واژگان: خانواده، تعریف خانواده، منابع دینی

h.soraghi@yahoo.com

safurayi@gmail.com

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه.

۲. دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه (نویسنده مسئول)

مقدمه

مفهوم‌شناسی از مباحث پیشینی در علوم است چرا که هر مفهومی می‌تواند تصورات متعددی را برانگیزد، «آب» در عرف یک معنا دارد، در ادبیات عرفانی به معنایی آمده است و در بین شیمیدانان تصویر خاصی را برمی‌انگیزد. به منظور پیش‌گیری از سوء تفاهم، تسهیل در تبادلات علمی و پیش‌گیری از سردرگمی پژوهش‌گران لازم است مفاهیم دقیق تعریف شوند. خانواده که به لحاظ کارکردهای آن در سطح فردی^۱ و اجتماعی^۲ در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به عنوان موضوعی بین رشته‌ای توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف از علوم را به خود جلب کرده است. ماهیت بین رشته‌ای این موضوع، ضمن بیان اهمیت آن بیان‌گر ضرورت مضاعف مفهوم‌شناسی آن نیز می‌باشد.

خانواده در لغت فارسی به معانی ۱. اهل خانه، اهل بیت ۲. مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند ۳. مجموعه خویشاوندان، خاندان ۴. تیره، خاندان (معین، واژه خانواده) چنان‌که بر اسباب خانه، دولت و ثروت، مخصوصاً ثروت موروثی قابل حمل است (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۰)؛ معادل آن در انگلیسی Family است که به معنی گروهی شامل یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و فرزندان است (Wehmeier، ۲۰۰۵، ۵۵۲) که در اصل از لغت یونانی «Famulus, Familia» به معنی مستخدم و برده گرفته شده است. معادل خانواده در عربی واژه ترکیبی «اهل بیت» است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۰)؛ بیت مترادف مسکن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۸) و به معنای محل اقامت شبانه است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۵۹)، محل برگشت، اقامت و محل تجمعی است که همه‌ی اعضا را دربر می‌گیرد؛ «البیت» به معنای عیال مرد و کسانی است که شب‌ها را نزد آن‌ها سر می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۲۵). «اهل» در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده افراد، پیوند جامعی بوده باشد مثل پدر، شهر، کتاب،

۱. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» (روم: ۲۱). «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّيْهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَتَتْهَا دَعَا اللَّهُ رَبُّهَا لِنِ أَنْتَيْنَا صَالِحًا لِتَكُونَنَّ مِنَ السَّارِيْنَ» (اعراف: ۱۸۹). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْزَنُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مانده: ۸۷). «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا الصِّيَامَ إِلَى الْبَيْلِ وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۷).

۲. «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان: ۵۴). «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَةَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ، وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِى صَغِيرًا» (اسراء: ۲۳-۲۴).

علم و غیره و میان جامع و آن افراد انسی و الفتی لازم است و کلمه اهل به آن جامع اضافه می شود مثل اهل کتاب (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۵) بنا بر معنای ذکر شده برای «اهل» و «بیت» معنای اهل بیت عبارت است از یک عده افرادی که در یک خانه به ویژه شب هنگام سکونت دارند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۰).

علی رغم آن که خانواده واژه ای آشنا و دارای مفهومی ملموس است، ارائه تعریفی علمی از آن کار ساده ای نیست بلکه ارائه تعریف واحد از آن غیر ممکن است؛ چرا که خانواده از مفاهیم اعتباری است و اعتباریات تابع جعل هستند. بنابراین هر فردی می تواند اعتباری داشته باشد و بر اساس آن تعریفی ارائه دهد. حقیقت این است که نه تنها ارائه تعریف واحد از خانواده امکان پذیر نیست بلکه ارائه تعریفی بالنسبه جهان شمول نیز مشکل است چرا که از طرفی نهاد خانواده در طول تاریخ و در فرهنگ های مختلف در شکل های گوناگونی تحقق یافته است و از طرف دیگر، یک خانواده معین نیز ممکن است در معرض حوادثی از قبیل فوت همسر یا طلاق و انتقال به وضعیت تک سرپرستی و یا توقف رابطه جنسی به دلایلی مانند نقص عضو یا بیماری قرار گیرد، از این روی تعریف های ارائه شده معمولاً با مشکل عدم جامعیت یا عدم مانعیت روبرو هستند (بستان نجفی) و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۶ و این مساله در شرایط امروزی که بر مواردی چون روابط زناشویی خارج از چارچوب رسمی، زندگی های مشترک همجنس بازان و خانواده های تک والدینی نام خانواده را اطلاق می کنند سخت تر می شود، به همین دلیل جامعه شناسان معاصر از ارائه یک تعریف کلی درباره خانواده پرهیز می کنند (استفان مور، ۱۳۷۶، ص ۳۲).

مارتین سگالن هشدار می دهد که جامعه شناسی معاصر ناگزیر است در تعریف خانواده، تا حدودی محتاطانه وارد عمل شود زیرا «خانواده» واژه ای با معانی متعدد است و از یک چارچوب مفهومی، که قادر به تعریف حیطه گسترده پدیده های خانوادگی باشد، محروم است از این روی بیان می دارد به جای آن که همیشه در قالب واژگانی دقیق از خانواده سخن بگویند، اصطلاحاتی را به کار خواهد گرفت که به نظر می رسند این نهاد را در جنبه ی خاصی که مورد بررسی است، به روشن ترین وجهی تعریف می کنند و به همین منظور از اصطلاحاتی چون خانواده تک هسته ای، گروه خانگی و روابط خویشاوندی استفاده خواهد کرد (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۱۹).

علی رغم همه احتیاط ها و مشکلاتی که بر سر راه تعریف این واژه قرار دارد، با توجه به جایگاه

پراهمیت خانواده از سویی و ضرورت روشن‌سازی دقیق موضوع‌ها و اصطلاح‌ها در پژوهش و در تبادل نتایج آن، اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به بررسی خانواده و تعریف آن پرداخته‌اند، چنان‌که پژوهش‌گران و اندیشمندان مسلمان نیز تعاریفی از خانواده را براساس معارف و منابع اسلامی ارائه داده‌اند. علی‌رغم تعدد تعاریف ارائه شده با رویکرد اسلامی متاسفانه در این بین حتی یک اثر پژوهشی مستقل که به تعریف خانواده اختصاص داشته باشد و بتوان منابع، مستندات و منطق آن را مورد بررسی قرار داد یافت نشد، از این روی پژوهش پیش‌رو درصدد است با هدف ارائه تعریف خانواده براساس منابع اسلامی، آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

در ادامه ابتدا به برخی از تعاریف جامعه‌شناسان و روان‌شناسان پرداخته می‌شود، سپس عناصر دخیل در تعریف خانواده با استناد به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و گام آخر در دسترسی به هدف پژوهش، با جمع‌بندی مباحث و ارائه تعریف برداشته می‌شود.

تعاریف جامعه‌شناختی خانواده

جامعه‌شناسان که با هدف تبیین کارکردهای اجتماعی خانواده به بررسی آن پرداخته‌اند، تعاریفی از خانواده ارائه داده‌اند که برخی از این تعاریف به شرح زیر است.

- مک ایور: ^۱ خانواده گروهی از افراد با روابط جنسی پایا و مشخص است که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر می‌شود (فرید، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).
- دیویس: ^۲ خانواده از گروهی اشخاص تشکیل می‌شود که روابط‌شان با یک‌دیگر بر پایه خویشاوندی هم‌خونی استوار است (بستان، ۱۳۸۳، ص ۴۷).
- لویی: ^۳ خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج، یعنی صورتی از روابط جنسی که مورد تصویب جامعه قرار گرفته است، مرتبط است (ساروخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵).
- برگس ^۴ و لاک: ^۵ خانواده به گروهی از اشخاص گفته می‌شود که به واسطه روابط زناشویی، خونی یا فرزندخواندگی با یک‌دیگر اتحاد یافته‌اند و یک خانوار واحد را به وجود آورده‌اند؛ در قالب نقش‌های اجتماعی خاص زن و شوهر، پدر و مادر، برادر و خواهر با یک‌دیگر کنش و

1. Mac Lyor
2. Davis K
3. Lowie R.H
4. Burgess E
5. Locke H

- ارتباط متقابل دارند و [خرده] فرهنگ مشترکی را ایجاد می‌کنند (بستان، ۱۳۸۳، ص ۴۷).
- مرداک^۱: خانواده گروهی اجتماعی است که مشخصه‌ی آن اشتراک در مکان زندگی، همکار اقتصادی، و تولید مثل است (اسدی، لیلا السادات و میرزازاده، زهرا، ۱۳۹۲، ص ۸۸).
 - کوئن: خانواده گروهی از افراد است که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط داشته و طی یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸ ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۲۷).
 - گیدنز: خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی، مستقیماً با یکدیگر پیوند یافته و اعضای بزرگ‌سال آن مسئول نگهداری کودکان هستند (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴).

تعاریف روان‌شناختی خانواده

- خانواده از همان ابتدای شکل‌گیری روان‌شناسی مورد توجه روان‌شناسان بوده است، چنان‌که اساس رویکرد روان‌تحلیل‌گری بر رابطه والدین-کودک به‌ویژه مادر-فرزند است اما در هر حال موضوع مطالعه در روان‌شناسی فرد است. توجه جدی روان‌شناسان به خانواده از زمانی شروع شد که روان‌درمانگران متوجه شدند بسیاری از اختلالات فردی، ریشه در خانواده دارد و براین اساس رشته‌ای به نام خانواده‌درمانی شکل گرفت. برخی از تعاریف خانواده با نگاه روان‌شناختی و عمدتاً از نگاه خانواده‌درمان‌گران به شرح زیر است:
- راجرز^۲: خانواده نظام نیمه‌بسته‌ای است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می‌کند و دارای اعضای است که وضعیت‌ها و مقام‌های مختلفی را در خانواده و اجتماع احراز کرده و با توجه به محتوای وضعیت‌ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تأیید جامعه است و خانواده جزء لاینفک آن است ایفای نقش می‌کند (فرقانی رئیس، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱).
 - از نظر خانواده‌درمان‌گران؛ خانواده جامعه‌ی کوچکی است که از به هم پیوستن زن و مرد به وجود می‌آید؛ گروهی است متشکل از دو یا چند نفر که از طریق تولد، ازدواج یا فرزندخواندگی با یکدیگر مرتبط شده و در یک منزل با هم زندگی می‌کنند (گلادینگ، ترجمه فرشاد بهادری و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

• مینوچین^۳: خانواده سامان‌هایی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مراوده‌ای صورت

1. Murdock G
2. Rogers
3. Salvador minuchin

می‌گیرد (مینوچین، ۱۳۹۵، ص ۶۷).

● گلدنبرگ^۱ و گلدنبرگ: خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را در بر می‌گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی بودن عضویت در آن است (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

تعاریف ارائه شده با نگاه روان‌شناختی به فراوانی تعاریف ارائه شده از سوی جامعه‌شناسان نیست و برخی از عناصر مطرح در تعاریف روان‌شناسان با تعاریف جامعه‌شناسان مشترک است که می‌تواند متأثر از تعاریف آنان باشد و برخی مولفه‌ها همانند وفاداری، عاطفه و نگاه سیستمی به خانواده، توجه به الگوهای مراوده‌ای ماهیتی کاملاً روان‌شناختی دارند.

تعریف خانواده با رویکرد اسلامی

هم‌چون سایر اندیشمندانی که هریک از زاویه‌ای خاص به خانواده نگاه کرده‌اند، اندیشمندان مسلمان نیز بر حسب آنچه که در منابع دینی معتبر شناخته می‌شود تعاریفی از خانواده ارائه داده‌اند که در ادامه ارائه می‌شود:

● بنت‌الهدی صدرطباطبایی: خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته: زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان و همچنین ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است (صدرطباطبایی، ۱۴۱۹ق، ۲۵-۲۱۲).

● شهید مطهری: خانواده از منظر اسلام نهادی اجتماعی، اخلاقی و حقوقی است که بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف تشکیل می‌شود و میان اعضای آن روابط نسبی یا سببی حاکم است و آن‌ها در مقابل هم از حقوق و تکالیفی برخوردارند که بر اساس مدیریت واحد اداره می‌شود، خانواده نسبت به سایر نهادهای اجتماعی اصالت داشته و دارای ماهیتی متفاوت است، اخلاق و صمیمیت به منزله مهم‌ترین اصول حکم فرما در خانواده هستند (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

● زحیلی: خانواده در اصطلاح شرعی به عده‌ای اطلاق می‌شود که از ارتباط بین مرد و زن نشأت می‌گیرند و نیز به اجداد و جدات و برادران و خواهران و نواده‌ها و عموها و عمه‌ها و خاله‌ها و دایی‌ها و فرزندان آن‌ها اطلاق می‌شود و بر سه نوع کوچک، متوسط و بزرگ است (زحیلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸).

● قرشی: خانواده عبارت از مجموعه‌ای است که رابطه جنسی نیرومندی آن را پدید می‌آورد و این رابطه از چنان نیرویی برخوردار است که زمینه پیدایش و تربیت کودکان را فراهم می‌سازد (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ترجمه لطیف راشدی، ص ۲).

● سالاری فر: خانواده مجموعه‌ای از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدینی - فرزندی و خواهری و برادری) است که نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۱۲).
پناهی: خانواده کوچک‌ترین و ساده‌ترین و عمومی‌ترین واحد اجتماعی است که بر اساس ازدواج رسمی بین یک مرد و حداقل یک زن تشکیل می‌شود و با تولد فرزندان توسعه می‌یابد (پناهی، ص ۱۳، ۱۳۸۷).

اساسی‌ترین مساله و یا اشکالی که در این تعاریف وجود دارد این است که مستندات و منطق تعاریف ارائه نشده است تا بتوان آن‌ها را مورد بازخوانی و نقد قرار داد. این تعاریف عمدتاً در ضمن پژوهش‌ها و در بخش مفهوم‌شناسی ارائه شده است.

عناصر خانواده

برای دست‌یابی به پاسخ سوال پژوهش «خانواده بر اساس منابع اسلامی چگونه تعریف می‌شود؟» لازم است با تحلیل مستندات که در منابع اسلامی وجود دارد، عناصر موثر در تعریف مورد شناسایی قرار گیرد. در ادامه عناصر به دست آمده به همراه مستندات ارائه می‌گردد.
این بخش از پژوهش، ضمن این‌که ارائه تعریف خانواده بر اساس منابع اسلامی را ممکن می‌سازد به نوعی نقد عناصر به کار رفته در سایر تعاریف است. از آنجا که در بخش جمع‌بندی پژوهش به بررسی و مقایسه تعاریف پرداخته می‌شود، به منظور پیش‌گیری از تکرار در این بخش به ذکر عناصر تعریف و مستندات بسنده می‌شود.

بناء

اولین واژه‌ای که در تعریف خانواده به کار می‌رود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که موصوف برای همه اوصافی قرار می‌گیرد که پس از آن به کار می‌رود. واحد اجتماعی، عده‌ای، مجموعه‌ای، جامعه کوچکی، سامان‌های، یک واحد اجتماعی، گروهی از افراد و گروهی اجتماعی تعابیری هستند که در تعریف خانواده به کار رفته‌اند. پیشنهاد پژوهش پیش‌رو

استفاده از واژه «بناء» است که اسمی است برای آنچه که ساخته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش. ج ۱، ص ۳۱۴) چرا که اولاً این واژه دارای مستند روایی است «پیامبر اکرم ﷺ: ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق. ج ۸، ص ۸۲) و ثانیاً برخلاف واژه‌هایی چون «واحد اجتماعی» که حاصل نگاهی جامعه‌شناختی به خانواده است و یا «سامان‌های» که محصول نگاهی روان‌شناختی به خانواده است هیچ‌گونه جهت‌گیری خاص در این واژه وجود ندارد. علاوه بر دو نکته قبل و مهم‌تر از آن‌ها این که در کلمه «بناء» جنبه تاسیسی بودن خانواده نهفته است (مصطفوی، ج ۶، ص ۳۴۴، تهران، ۱۳۶۸ ش) که آن را فراتر از صرف در کنار هم قرار گرفتن چند نفر معرفی می‌کند. علاوه بر نکات مطرح شده، این واژه در عربی (ابن اثیر جزری، ج ۱، ص ۱۵۷، ۱۳۶۷ ش) و فارسی (دهخدا، واژه‌بناء) به معنای محل سکونت که یکی از عناصر تعریف است نیز می‌باشد که قرابت این واژه را با معنای خانواده بیشتر می‌رساند.

پیمان زندگی مشترک

پیمان معادل عقد در اصطلاح شرع (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۴۱، ۱۴۱۲ ق) است. این پیمان که جنبه‌ی فقهی و حقوقی دارد از عناصر ضروری تعریف است چرا که به اجماع علماء اسلام (خوئی، کتاب النکاح، مقرر محمدتقی الخویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۹) تا این پیمان منعقد نگردد حتی در صورت رضایت طرفین به تشکیل خانواده، خانواده‌ای شکل نمی‌گیرد (بزدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۸۵۱) و اساساً تفاوت بین نکاح و سفاح (زنا) همین اجرای عقد و اعتبار زوجیت است (خوئی، مقرر محمدتقی خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۹).

عقد ازدواج که شکل‌گیری خانواده منوط بر اجرای آن است مشتمل بر ایجاب و قبول است (طاهری، محمدعلی و انصاری خوشایر، مسعود، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۵۰۷) و این پیمان با ایجاب و قبول اگر چه توسط وکیل باید اجرا شود (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۰).

پیمان زندگی مشترک دائمی

آیا می‌توان بر زوجیت ناشی از ازدواج موقت اطلاق خانواده داشت؟ پژوهش‌گران در پاسخ به این سوال اختلاف نظر دارند؛ برخی خانواده را بر صورتی از ازدواج اطلاق می‌کنند که قرارداد زوجیت آن‌ها دائمی باشد و برخی در این جهت تفاوتی بین ازدواج دائم و موقت نمی‌بینند. قائلین به اطلاق خانواده بر هر دو شکل ازدواج، در رفع استبعاد دسته دیگر مبنی بر

این‌که مگر می‌توان بر زوجیتی کوتاه مدت مثلاً چند ماهه اطلاق خانواده داشت! این‌گونه بیان داشته‌اند که ازدواج موقت اگر چه می‌تواند بر هر عقد زمان داری اطلاق گردد اما لزوماً به معنای عقد کوتاه مدت نیست بلکه می‌توان عقد موقتی به بلندی طول عمر طبیعی یک انسان داشت چنان‌که می‌توان با همین عقد صاحب فرزند شد و در کنار هم زندگی کرد.

استبعاد منکرین اطلاق خانواده بر زوجیت حاصل از عقد موقت، ناظر بر مصادیق غالبی از این نوع ازدواج است که نوعاً کوتاه مدت و بدون فرزندآوری است و اصرار موافقین شمول عنوان خانواده بر هر دو نوع از زوجیت، ناظر بر امکان شکل دهی خانواده با هر دو نوع عقد است یعنی می‌توان با عقد ازدواج موقت نیز یک زندگی طولانی، با هم و در زیر یک سقف، به همراه فرزندان تشکیل داد. به نظر می‌رسد هر دو نظر در عین برخورداری از صحت، درگیر نوعی غفلت و عدم توجه به سایر مولفه‌ها و فلسفه‌ی هر یک از این دو نوع ازدواج است.

فلسفه ازدواج موقت چیست؟ در عین این‌که ممکن است زمان این ازدواج را طولانی در نظر گرفت و یا ممکن است با این ازدواج صاحب فرزند شد اما نباید فلسفه اصلی آن فراموش شود و سهمی به آن داد که هم وزن آن نباشد. ازدواج موقت اساساً برای موارد ضروری (مطهری، ج ۲۷، ص ۲۲۵) و برای مبارزه با فحشاء و انحرافات جنسی است (کاشف الغطاء، ۱۳۷۰، ص ۳۸۷) و پیمانی که بر اساس آن خانواده تشکیل می‌شود پیمان زندگی مشترک دائمی است، به همین جهت در آیات^۱ و روایات^۲ زیادی تشویق به ازدواج دائم شده است و بر عکس در روایاتی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۵۲؛ همان، ۴۵۳)^۳ حتی نهی از ازدواج موقت صورت گرفته است و به نظر می‌رسد موارد خاص تشویق همگانی به ازدواج موقت، به منظور پیش‌گیری از به فراموشی سپرده شدن این سنت است (مطهری، ج ۱۹، ص ۸۲). از سوی دیگر ایفای برخی از نقش‌های والدینی جز با در کنار هم بودن دائمی پدر و مادر امکان‌پذیر نیست. حال که این‌گونه است چرا نام‌ها را جابجا کنیم! اگر پدر و مادری اقتضای زوجیت دائم والدین را دارد چرا در اسم از ازدواجی نام ببریم (ازدواج موقت طولانی مدت) که در رسم شبیه ازدواج دائم است؟ بر اساس روایات ایفای نقش‌های والدینی تا بیست و یک سال ادامه دارند. اگر این مساله را در کنار توصیه اکید روایات به تکثیر نسل قرار دهیم با این ملازمه که عملاً تمام گستره‌ی عمر والدین را والدگری دربر می‌گیرد این سوال

۱. «وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور، ۳۲).

۲. «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مَطْهُرًا فَلْيَلْقَهُ بِرُوحَةٍ»

۳. سَأَلَتْ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْمُتَعَةِ فَقَالَ هِيَ حَلَالٌ مُبَاحٌ مُطْلَقٌ لِمَنْ لَمْ يُغْنِهِ اللَّهُ بِالتَّزْوِيجِ فَلْيَسْتَغْفِرْ بِالْمُتَعَةِ فَإِنْ اسْتَعْنَىٰ عَلَيْهَا بِالتَّزْوِيجِ فَهِيَ مُبَاحٌ لَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا.

مطرح می‌شود که چرا باید صرفاً بر اساس جواز و امکان کارکردی را برای ازدواج موقت قائل شویم که با فلسفه آن هم خوانی ندارد.

یک زن و مرد

در بسیاری از تعاریف ارائه شده از خانواده، اعضای خانواده به عنوان یکی از عناصر تعریف ذکر شده است چرا که لازم است مرز خانواده را در افراد عضو از غیر اعضا مشخص کرد. در این‌که گستره خانواده چه افرادی را دربر می‌گیرد بحث خواهد شد اما حداقل افرادی که برای تشکیل یک خانواده ضروری است یک زن و یک مرد است. با دو استدلال می‌توان اعضاء خانواده و به ویژه زن و مرد را از مولفه‌های ضروری برای تعریف در نظر گرفت؛ یک استدلال این‌که اساساً قوام خانواده به اعضای آن است و با نبودن اعضاء، خانواده‌ای وجود نخواهد داشت (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶) و دیگر این‌که چنان‌که بیان شد اساساً تشکیل خانواده منوط به اجرای عقد است و عقد ازدواج ایجاب و قبولی را دربر دارد که لازمه اجرای آن وجود حداقل یک زن و یک مرد است (بنی‌هاشمی، خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۸۰).

در برخی از تعاریف (پناهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳) قید «حداقل یک زن» آورده شده است، به نظر می‌رسد مستند این قید آیه شریفه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳) است، در حالی که این آیه دلالتی بر بیش از جواز تعدد زوجات ندارد و واضح است که جواز تعدد زوجات امری است غیر از عضویت بیش از یک زن در یک خانواده، بلکه با توجه به این‌که مشروعیت و شکل‌گیری خانواده بر اساس عقد ازدواج است و انشاء کننده در این عقد زن است و مرد قبول کننده است (بنی‌هاشمی، خمینی، ج ۲، ص ۳۸۱)، واحد تشکیل خانواده یک زن و مرد است و در حقیقت با ازدواج جدید خانواده جدیدی شکل می‌گیرد.

زن و مرد مسلمان

ازدواج دائم مرد یا زن مسلمان با زن یا مرد غیرمسلمان حرام و باطل است (بنی‌هاشمی، خمینی، ج ۲، ص ۳۹۷)، بنابراین از عناصری که لازم است در تعریف خانواده از نگاه اسلام لحاظ گردد «اسلام» است. آیات متعددی از قرآن کریم همانند آیه ۲۲۱ سوره بقره با صراحت این مولفه و حکمت آن را بیان کرده است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَئِمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَاؤُ

أَعْجَبْتَكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبُدُوا مُؤْمِنًا خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ».

لازم به یادآوری است تنها شکل معتبر از خانواده در اسلام خانواده‌ی تشکیل شده توسط مسلمانان نیست بلکه هر قومی برای خود نکاحی دارد که اگر نکاح‌شان بر اساس ضوابطی که در نزد خودشان معتبر است انجام شود در اسلام نیز معتبر است خواه یهودی و نصرانی باشد یا اصلاً معتقد به خدا نباشد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴). آیات متعددی از قرآن کریم^۱ دال بر به رسمیت شناختن این‌گونه زوجیت‌هاست. در سوره‌ی تحریم صحبت از زوج‌هایی است که یک طرف آن قطعاً در کفر به سر می‌برده‌اند با این حال تعبیر به «امْرَأَتُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ فِرْعَوْنَ» آمده است که تأیید زوجیت آن‌هاست. بنابراین در نظام حقوقی و روابط اجتماعی، نکاح دیگر امم از سوی مسلمانان معتبر شناخته می‌شود اما خانواده معتبر در اسلام خانواده‌ای است که زن و مرد هر دو مسلمان باشند.

تمایلات جنسی

نقطه ثقل و مولفه‌ی اصلی برخی تعاریف ارائه شده از خانواده روابط جنسی است.^۲ در منابع اسلامی نیز به‌غریزه جنسی به شکل پرننگی پرداخته شده است با این تفاوت که‌غریزه جنسی به عنوان محرکی برای تشکیل خانواده و تولید مثل (مجلسی، ج ۱۰، ص ۵۸، ۲۵۵)^۳ و در راستای اهدافی والاتر در نظر گرفته شده است.

منابع اسلامی نه تنها بر لزوم توجه به‌غریزه جنسی در قالب ازدواج و تشکیل خانواده پرداخته‌اند^۴ بلکه به تفصیل به جزئیات این مساله نیز پرداخته‌اند. به عنوان مثال در منابع اسلامی، تفاوت زن و مرد از حیث تمایلات جنسی که دارای منشأ زیست‌شناختی است مورد

۱. «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» (مسد: ۴) «بِتَأْفِي فِي الْجَنَّةِ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ - وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱-۱۰). «أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ» (۱۶۵) «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» (شعراء: ۱۶۶-۱۶۵).

۲. مک‌ایور، خانواده گروهی از افراد با روابط جنسی پایا و مشخص است که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر می‌شود (فربد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).

۳. فَكِرُوا بِمَا مُفَضَّلٌ فِي الْأَفْعَالِ الَّتِي جُعِلَتْ فِي الْإِنْسَانِ مِنَ الطَّعْمِ وَالنَّوْمِ وَالْجِمَاعِ وَمَا دُبِّرَ فِيهَا فَإِنَّهُ جُعِلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا فِي الطَّبَاعِ نَفْسِهِ مُحَرَّكَتٌ يَفْتَضِيهِ وَيَسْتَجِدُّ بِهِ... وَالشَّبَقُ يَفْتَضِي الْجِمَاعَ الَّذِي فِيهِ دَوَامُ النَّسْلِ وَبِقَاوُهُ...»

۴. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ * وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲). «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْبَيْتَانِ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ * فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعِدِّلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ * ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳).

توجه قرار گرفته است. بر این اساس و از آنجا که تحریک‌پذیری مردان سریع‌تر از زنان است (محمد بن حسن حرعاملی، ج ۲۰، ص ۱۱۸) تکالیفی برای زنان تعریف شده است «وَلَا تَمْنَعَنَّ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۵۰۷)، چنان‌که با توجه به اقتضات زنان دستوراتی به مردان^۱ داده شده است و در عین اختلاف در نوع و میزان تکالیف تعریف شده برای هر یک از زن و مرد، هر دو در این نکته اشتراک دارند که بر آن‌ها واجب است به نیازهای جنسی هم توجه داشته باشند.

فرزندان

کمتر تعریفی از خانواده وجود دارد که به فرزندان به عنوان مولفه‌ای از تعریف اشاره نکرده باشد، چون اگرچه خانواده با زوجیت آغاز می‌شود اما قوام خانواده با زوجین و فرزندان است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶). رویکرد کلی اسلام در مساله ازدواج، فرزندآوری است که توصیه به فرزندار شدن،^۲ دعا برای فرزنددار شدن^۳ نهی از عزل (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۳۲۸)،^۴ ایجاد نگاه مثبت نسبت به فرزند (مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۵۴)،^۵ دفع دغدغه‌های ذهنی نسبت به مشکلات فرزنددار شدن (اسراء: ۳۱)^۶ نعمت و پایه تکامل بشر معرفی کردن فرزند (ترجمه المیزان، ج ۸، ص ۲۳)^۷ بیانگر آن است.

منابع اسلامی در کنار توصیه به فرزنددار شدن و جوب نفقه فرزند شامل خرج خوراک، پوشاک و مسکن (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۳۱۳) را نیز بیان داشته است و به فرزند پروری، محبت به فرزند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۸۵)^۸ و حتی شیردهی مستقیم از سینه مادر به فرزند (بقره، ۲۳۳)^۹

۱. «و لا تجامع امرأة حتى تلاعبها و تعمر نديبها و تكثر ملاعبتها فانك اذا فعلت ذلك غلبت شهوتها و اجتمع ماؤها لان ماؤها يخرج من نديبها و الشهوة تظهر من وجهها و عينيها و اشتها منك مثل الذي تشتهي منها».

۲. «تناكحوا و تناسلوا كثرُوا، فاني اباهي بكم الامم يوم القيامة و لو بالسقط» (جامع الأخبار: ۱۰۱).

۳. «دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة» (آل عمران: ۳۸).

۴. «لا بأس بالعزل في ستة وجوه: المرأة التي أيقنت أن ها لا تلد، و المسنة، و المرأة السليطة، و البذية، و المرأة التي لا ترضع ولدها، و الأمة».

۵. «من سعادة المرأة الصالحة و المسكن الواسع و المركب البهي و الولد الصالح ...»

۶. «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۳۰) وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَافِرُونَ» (اسراء: ۳۱)

۷. «قُلْ تَعَالَوْا أَنَا أَمْشُرِكُكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالَّذِينَ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِنَّا هُمْ أَلْفَاحِشٌ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام: ۱۵۱).

۸. «وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكْتَرْتُمْ» (اعراف: ۸۶).

۹. «أَكْبُرُوا مِنْ قَبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مِيسِرَةٌ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ».

۱۰. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيمَ الرِّضَاعَةَ...».

توصیه کرده است که دلالت التزامی این امور بر زندگی با هم و در کنار هم است. به عبارت دیگر فرزندان جزئی از خانواده‌اند و نمی‌توان والدین و خانواده را جدای از فرزندان تصور یا تعریف کرد.

فرزند همسر

ریبیه به دختر زوجه از شوهر دیگر اطلاق می‌شود (نجفی جواهری، ج ۲۹، ص ۳۴۹)، جمع آن ربائب است و به این مناسبت او را ربوبه نامیده‌اند که تدبیر مادر او - که همسر آدمی است - و هر کسی که با آن مادر به خانه ما آمده به دست ما است و این ما هستیم که غالباً تربیت دختران همسرمان را به عهده می‌گیریم هر چند که این معنا دائمی نباشد (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲). عضویت ریبیه در خانواده، در قرآن کریم با صراحت ذکر شده است: «رَبَائِكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمْ» (نساء: ۲۳).

فرزند خوانده

فرزند خواندگی در میان جوامع و تمدن‌های متنوع تاریخی سابقه نسبتاً طولانی دارد و پیش از اسلام و حتی پس از آن تا سال پنجم هجری با همه آثارش رایج بوده است (عالمی طامه، ۱۳۸۷، ص ۴۱)، اصلاحی که در دوره اسلامی صورت گرفته است اینکه قرآن کریم آثار نسب، محرمیت و ارث را از آن برداشته است (احزاب: ۴، ۵، ۳۷).^۱

برخی آیات مطرح شده به ویژه «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب: ۴) را مستند قرار داده و امکان عضویت فرزند خوانده در خانواده را نپذیرفته‌اند چرا که در این آیه با صراحت فرزند بودن فرزند خوانده رد شده و آن را حرف مردم شمرده است که خداوند متعال آن را به رسمیت نمی‌شناسد. در ارتباط با این مساله توجه به این نکته لازم است که آنچه در امثال این پژوهش دنبال می‌شود امکان

۱. «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي حُفْوَيْهِ * وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّاتِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ * وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ * ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب: ۴).

«ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَبَلْ كُنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵).

«وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا * وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (احزاب: ۳۷).

۲. مستند مکتوبی یافت نشد اما در گفتگوی شفاهی با صاحب نظران و در بررسی روایی محتوای عناصر تعریف این بحث مطرح شد.

عضویت فرزندخوانده در خانواده است و آنچه که این آیه رد کرده است فرزند واقعی دانستن فرزندخوانده و به میان کشیدن موضوعات نسب، محرمیت و ارث است.

علاوه بر سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرزند خواندن زید، قرآن کریم موارد متعددی از فرزندخواندگی را مطرح ساخته است که عدم هرگونه ردعی از آن‌ها بیانگر تائید آن است. قرآن کریم در سوره انعام آرزو را پدر حضرت ابراهیم علیه السلام خوانده است «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَّرْتَنِي إِذْنًا مِّنَ اللَّهِ إِنِّي أراكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۷۴). در سوره قصص، داستان از آب گرفتن حضرت موسی علیه السلام «وَوَقَّالَتْ أُمْرَأَتٌ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنٌ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص: ۹). مساله به فرزندگی گرفتن را بدون هرگونه ردعی مطرح ساخته است و در سوره یوسف علیه السلام «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأُمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا» (یوسف: ۲۱) نه تنها به فرزند گرفتن را مطرح ساخته است بلکه تصریح بر زندگی با آن‌ها در یک خانه نیز شده است «وَوَاوَدتُّهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِي» (یوسف: ۲۳).

والدین همسران

در شرایط طبیعی، والدین همسران عضو خانواده تلقی نمی‌شوند چرا که با ازدواج فرزندان خانواده جدیدی شکل می‌گیرد. در عین حال انسان مراحل مختلفی از رشد را با ویژگی‌ها و اقتضائات خاص هر مرحله سپری می‌نماید که در این میان دوران کهن سالی مرحله‌ای است که انسان بدترین حالات از عمر را تجربه می‌کند. همان‌گونه که روزگاری فرزندان محتاج محافظت و مراقبت والدین بودند، در کهن سالی که پیری والدین را عاجز و ناتوان ساخته و از این‌که مستقلاً به ضروریات زندگی خود قیام کنند بازمان داشته این وظیفه فرزندان است که از والدین محافظت و مراقبت داشته باشند. نگهداری والدین مساله‌ای است که هم اعتبار عقلی موید آن است چرا که قوام اجتماع به خانواده و قوام خانواده به محبت بین ارکان خانواده یعنی والدین و فرزندان است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۵) و هم قرآن کریم با حکم به وجوب احسان به والدین آن را تائید کرده است.^۲

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُنْتُمُ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَغْتِ فَأَنَا خَلَقْتَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئِكُمْ وَتُعْرِضُوهُنَّ إِلَى الْأَرْحَامِ مَا نَمَاءٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ نَّهِيحٍ» (حج: ۵).

۲. «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳). «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶). «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱). «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تُعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳). «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَكُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (نعمان: ۱۴-۱۳).

نکته‌ای که در خصوص اعضای خانواده، غیر از زن و مرد و فرزندان قابل ذکر است این که حضور آن‌ها نه تنها همیشگی نیست بلکه شکل غالب نیز نمی‌باشد، یعنی این‌گونه نیست که در معمول خانواده‌ها یکی از والدین و یا فرزند همسر حضور داشته باشد. هم‌چنین حضور یافتن این افراد در یک خانواده، غالباً بر اساس نیاز به محافظت و یا پرورش است و این نیاز به شدت وابسته به شرایط است و ممکن است والدی هیچ‌گونه نیاز معیشتی نداشته باشد چنان‌که ممکن است در عین نیاز فرد اضافه شده، خانواده شرایط تامین همه نیازها را نداشته باشد.

آرامش

منابع اسلامی دو عامل را در ایجاد این فضای روان‌شناختی معرفی کرده‌اند، یکی زوجیت و دیگری مسکن است. در خصوص زوجیت، قرآن کریم در سوره روم ازدواج را مایه آرامش معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۳۰) چنان‌که در آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۴۹) و در خصوص مسکن قرآن کریم «بیت» به معنای خانه را که می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد این‌گونه توصیف کرده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ» (نحل: ۸۰)؛ این آیه را برخی به آرامش (قرآنی، ج ۴، ص ۵۵۹)، برخی به آرامگاه (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۵۹)، برخی به منزل (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۴۹) (طیب، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۶۴) معنا کرده‌اند که به نظر می‌رسد این‌گونه اختلاف در تعابیر از جهت تلازمی است که بین داشتن محلی برای سکونت و آسایش و آرامش است. در همین خصوص قابل توجه است که اساساً بیت از آن جهت بیت گفته می‌شود که محل بیتوته و شب را به صبح رساندن (در قالب خواب) است و قرآن کریم خواب انسان را نیز مایه آرامش معرفی کرده است «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا» (نبا: ۹) به عبارت دیگر ظرف مکانی این آرامش نیز خانه است.

محبت

عنصر دیگری که در تعاریف خانواده به‌ویژه تعاریفی که با نگاه روان‌شناختی ارائه شده‌اند یافت می‌شود عنصر عاطفه است، توجه قرآن کریم و روایات به این مولفه زیاد و قابل توجه

است. مرحوم علامه رحمته‌الله‌علیه در تفسیر آیه ۱۵۱ سوره انعام حیات انسان و دین او را بسته به وجود جامعه و وجود جامعه را در حدوث و بقاء، وابسته به وجود خانواده و قوام خانواده را در محبت بین اعضای خانواده معرفی می‌نماید (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶).

در منابع اسلامی محبت بین تمام اعضای خانواده مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال محبت بین زوجین را از نشانه‌های خود معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ»، مودت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تاجر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۲۵۰).

خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله‌علیه محبت والدین به فرزندان را امری طبیعی می‌داند که نیاز به اراده ندارد (اسماعیلی، ص ۲۸-۱۵). در عین حال آیات و روایات دستور به ابراز محبت والدین نسبت به فرزندان: قَالَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَبِلُوا أَوْلَادَكُمْ... (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰) و فرزندان نسبت به والدین داده‌اند: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْبَغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴).

احساس مسئولیت

«احساس مسئولیت» از جمله عناصر دارای اهمیت و لازم در تعریف خانواده است تا خانواده را از مواردی چون هم‌خانگی جدا سازد. به این مولفه در برخی تعاریف هم چون تعریف برگس و لاک که به نقش‌ها پرداخته‌اند به‌طور ضمنی اشاره شده است، اما مذاق شرع و منابع اسلامی می‌طلبند که به این عنصر در تعریف خانواده تصریح شود. چنان‌که گذشت اساساً از نگاه اسلام تشکیل خانواده با یک عقد قرارداد یا پیمان بین زن و مرد مشروعیت می‌یابد که نه تنها شروطی به شکل مفروض در آن وجود دارد بلکه می‌توان به آن شروطی تحت عنوان شروط ضمن عقد اضافه کرد که اقتضای همه این امور مسئولیت‌پذیری است. پای بندی به

۱. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ عَلَىٰكُمْ أَنْ تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۱).

عهد و پیمان از جمله پیمان زناشویی از دستورات موکد اسلام است «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱).

مسئولیت‌پذیری تنها بین زن و مرد مطرح نیست بلکه فرزندان نیز باید بر آن تربیت شوند. در پژوهشی که مهدوی نیک (۱۳۹۲) انجام داده است در کنار محبت و تکریم به عنوان مولفه‌های سبک تربیتی اسلام، مولفه‌های نظارت، کنترل، تعلیم و تادیب نیز دیده می‌شود که به التزام بیان‌گر لزوم مسئولیت‌پذیری فرزندان است چرا که نمی‌توان به صرف تعهد و نظارت والدین (فارغ از مسئولیت‌پذیری فرزندان) به اهداف تربیت دست یافت.

مستندات لزوم مسئولیت‌پذیری فراوان است، قرآن کریم با صراحت دستور به نگهداری خانواده از آتش جهنم داده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶). چنان‌که قرآن کریم در محاوره‌ای که از زبان بهشتیان نقل می‌کند شفقت نسبت به خانواده را علت بهشتی شدن و برخورداری از لذائد و نعم الهی بیان می‌کند «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» (طور: ۲۷-۲۵). اشفاق به معنای عنایت همراه با ترس است که اگر با حرف «من» متعدی شود معنای ترس در آن روشن‌تر از محبت است و اگر با حرف «فی» متعدی گردد معنای عنایت و محبت در آن روشن‌تر از ترس به ذهن می‌رسد. پس معنای آیه چنین می‌شود که: ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم، هم آنان را دوست می‌داشتیم و به سعادت و نجات‌شان از مهالک و ضلالت‌ها عنایت داشتیم و هم از این‌که مبادا گرفتار مهالک شوند می‌ترسیدیم، و به همین منظور به بهترین وجهی با آنان معاشرت می‌کردیم، و نصیحت و دعوت به سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹، ۲۲).

مسکن واحد

معادل خانواده در عربی واژه ترکیبی اهل بیت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۰)؛ «بیت» مترادف مسکن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۸) و به معنای محل اقامت شبانه است (ابن فارس، ج ۱، ص ۳۵۹، ۱۴۰۴ق). مقایسه اللغه این ماده را دارای یک ریشه برشمرده است که به معنای محل برگشت، اقامت و محل تجمعی است که همه‌ی اعضا را دربر می‌گیرد. چنان‌که از باب تشبیه به یک بیت شعر، بیت گفته می‌شود چون محل جمع الفاظ و حروف و معانی به شرطی خاص یعنی وزن است،

مقایسه «البیت» را به معنای عیال مرد و کسانی می‌داند که شب‌ها را نزد آن‌ها سر می‌کند (ابن فارس، ج ۱، ص ۴۰۴). این واژه با مشتقاتش، ۷۳ بار در ۲۹ سوره و ۵۴ آیه قرآن کریم آمده است که از این تعداد ۳ مورد در معنای فعلی، ۳ مورد با لفظ «بیانا» به معنای شب هنگام و مابقی اعم از بیت الله، بیت معمور و بیت عتیق به معنای خانه آمده است. بیت به معنای خانه یعنی همان محیط مخصوص زندگی خانواده که البته در بیشتر موارد به همین معنای اخیر است. بنا بر استعمال قرآن مجید و گفته اهل لغت، «اهل» در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده افراد پیوند جامعی بوده باشد مثل پدر، شهر، کتاب، علم و غیره و میان جامع و آن افراد انسی و الفتی لازم است و کلمه اهل به آن جامع اضافه می‌شود مثل اهل الکتاب (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵). این واژه ۱۵۳ بار در ۴۵ سوره و ۱۴۳ آیه ذکر شده است.

بنا بر معنای ذکر شده برای «اهل» و «بیت» معنای اهل بیت عبارت است از یک عده افرادی که در یک خانه به ویژه شب هنگام سکونت دارند، به عبارت دیگر «خانه» جامع بین افراد است. ممکن است موارد زیادی وجود داشته باشد که عضوی از خانواده با سایرین در یک خانه زندگی نکند مثل پدری که به سفری طولانی رفته است اما شکل غالبی برای خانواده این است که اعضا در کنار هم و در یک خانه زندگی کنند.

شواهدی قرآنی بر این معنا که اعضای یک خانه را خانواده می‌گویند گواه است مثل آیه «رَحِمْتُ اللَّهَ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» (هود: ۷۳) که مراد از آنان ابراهیم ع و همسرش هاجر است و آیه «وَحَرِّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (قصص: ۱۲) که مراد از آن عمران، مادر حضرت موسی ع و کسان دیگری است که در خانه آن‌ها بودند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۰).

مدیریت مرد

هر نهاد و سازمان اجتماعی در راستای رسیدن به اهدافش ناگزیر است از یک ساختار و نظام منطقی و شایسته سالار برخوردار باشد و در این ساختار هر فرد دارای جایگاه و نقش ویژه‌ای باشد که نشانه قدرت و تاثیر او بر دیگران است؛ خانواده نیز به عنوان اجتماعی کوچک اما مهم و بنیادین که خمیرمایه و هسته نخستین و عنصر سازنده‌ی جوامع بشری است به حکم عقل نیازمند سازماندهی، نظام و مدیریت صحیح و مطلوب می‌باشد. نیازمند مدیری که بر امور

آن نظارت کند و رئیسی که تصمیم‌گیری‌های نهایی را عهده‌دار شود (پناهی و آذربایجانی، ص ۱۵۷، ۱۳۹۲). اسلام مدیریت خانواده را بر عهده مرد گذاشته است «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴). واژه‌ی قوامون جمع قوام است که صیغه مبالغه از ماده قیام به معنای ایستادن و برخاستن است که بر حسب نوع استعمال و براساس قرینه‌های کلامی دارای معنی خاصی می‌شود که جامع این معانی تصدی امر و عهده‌دار شدن کاری می‌باشد. قوام بودن مرد بر زن، گرچه متضمن نوعی تسلط و اشراف است، لیکن در این آیه به سرپرستی، حمایت، مسئولیت‌گرداندگی امور، محافظت و رعایت مصالح برمی‌گردد (پناهی و آذربایجانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳).

روایاتی نیز مبنی بر مدیریت مرد وارد شده است از جمله «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴)؛ در روایتی دیگر از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: کل نفس من بنی آدم سَیِّد، فالرجل سَیِّد اهله و المرأة سَیِّد بیتها (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۱۴).

تامین معیشت

از جمله تفاوت‌های زن و مرد در احکام اسلامی که ریشه در مسائل زیست‌شناختی و روان‌شناختی دارد مساله‌ی تفاوت نقش زن و مرد در خانواده است. اسلام تامین لوازم معیشتی خانواده را بر عهده مردان گذاشته است، این موضوع در مباحث فقه و حقوق تحت عنوان نفقه مورد بحث قرار گرفته است و چون از مسلمات است تنها به ذکر چند مستند اکتفا می‌شود.

تامین مخارج زندگی زن براساس آیات: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳)، «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)، روایات: فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۳۳) و رساله مراجع تقلید (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۶) بر عهده مرد است. نفقه فرزندان و والدین نیز در صورت نیاز بر

مرد واجب است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳).

۱. أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِبَسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيْهِمْ حَقًّا حَقُّكُمْ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يُؤْطِئْنَ أَحَدًا فَرَسَكُمْ وَلَا يُدْخِلْنَ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ بُيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ آذَنَ لَكُمْ أَنْ تَعْضَلُوهُنَّ وَتَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَتَضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ فَإِذَا انْتَهَيْنَ وَأَطَعْتَكُمْ فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ

محافظت

برخلاف بسیاری از گونه‌های حیوانی، عجز و ناتوانی نوزاد انسان در محافظت از خود تا چند سال پس از تولد ادامه دارد و این امر، موضوع حمایت و مراقبت فیزیکی از کودک را به یک ضرورت تبدیل می‌کند (بستان نجفی)، همان ص ۷۳. قرآن کریم در آیاتی به این ضعف پرداخته است: «والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا» (نحل: ۷۸) و «الله الذی خلقکم من ضعف» (روم: ۵۴)، وظیفه محافظت از فرزندان در تامین نیازهای زیستی «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۳) و پیش‌گیری از خطرات «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُرْضِعَهُ... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوهُمَا فَمَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (همان) بر عهده والدین است.

انسان پس از طی دوره‌های مختلفی از رشد و قوت، در صورت ادامه حیات برگشتی خواهد داشت «وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ» (حج: ۵) و مجدداً این ضعف را تجربه می‌کند «الله الذی خلقکم من ضعفٍ ثم جعل من بعد ضعفٍ قُوَّةً ثم جعل من بعد قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» (روم: ۵۴). مراجع تقلید اتفاق نظر دارند که وظیفه محافظت از افراد کهن سال بر عهده فرزندان است (رک به استفتائات مراجع عظام تقلید)^۱. مرد و زنی که خود روزی تحت محافظت والدین بودند در زمان نیاز والدین باید از آنان مراقبت نمایند (اسراء: ۲۳)^۲.

پرورش

مراد از پرورش، مجموعه اقداماتی است که برای رشد و شکوفایی توانایی‌های فرزند در ابعاد مختلف انجام می‌شود (سراقی، ۱۳۹۳، ص ۴۷ و ۱۰۱). پرورش معادل تربیت (رک به دهخداواژه پرورش) و از وظایف والدین است (شهید الثانی، ۱۴۱۰ ش، ج ۳، ص ۷۵). پرورش که معطوف به ابعاد مختلف انسان است دارای مولفه‌های متعددی است (رک به سراقی، ۱۳۹۳ و همتی، ۱۳۹۲) که قرآن کریم و روایات

۱. <https://www.welayatnet.com/fa/news/97794>

آیت الله خامنه‌ای: شماره استفتاء: ۳۴۴۳۱، آیت الله مکارم شیرازی: کد رهگیری: ۹۵۰۵۰۷۰۱۳۶، آیت الله شبیری زنجانی: شماره استفتا ۳۲۱۶۸، آیت الله وحید خراسانی: شماره استفتا ۲۲۰۴۰، آیت الله سیستانی: کد استفتاء: ۵۱۸۶۵۹، آیت الله فاضل لنکرانی: کد رهگیری: ۹۵۰۱۴۷۶.

۲. «وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا* إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عَنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳).

به آن‌ها پرداخته‌اند: پرورش جسمی،^۱ توجه به بازی کودک،^۲ تکریم؛^۳ توجه به موانع رشد،^۴ جهت‌دهی مذهبی^۵ و آماده‌سازی برای ورود به اجتماع.^۶

روایی محتوا

به منظور اطمینان از دلالت مستندات (آیات و روایات) بر عناصر به کار رفته در تعریف خانواده از روش روایی محتوا استفاده شد. مجموعه عناصر به همراه مستندات و وجوه دلالت به نه نفر از کارشناسان در رشته‌های مختلف ارائه گردید، کارشناسان تماماً روحانی (کارشناس دینی) در سطح درس خارج حوزه و دارای تخصص در یکی از رشته‌های مرتبط بودند. تخصص کارشناسان روایی‌سنجی علاوه بر تخصص در فقه و اصول در سطح درس خارج عبارت است از: روان‌شناسی، کلام، قرآن، حقوق، ادیان و تاریخ و سیره.

از بین بیست و یک عنصر ارائه شده به کارشناسان، دو مورد امتیاز لازم را برای به‌کارگیری در تعریف خانواده به دست نیاورد؛ موارد رد شده عبارتند از ۱. عضویت «فرزندخوانده» در خانواده ۲. «دائمی» بودن عقد ازدواج، به این معنا که کارشناسان نپذیرفتند تنها بر اساس عقد دائم خانواده شکل بگیرد بلکه اکثریت موافق شکل‌گیری خانواده بر اساس هر دو نوع عقد «دائم» و «موقت» هستند.

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ * لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيمَ الرِّضَاعَةَ * وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ * لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا * لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ وَبَوْلِدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ * وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ * فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا * وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ * وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۳۲).

«أطعموا خبالاكم ذكر اللبان، فإن يك في بطنها غلام خرج ذكئ القلب عالما شجاعا، وإن تك جارية حسن خلقها وخلقها، وعظمت عجزتها، وحظيت عند زوجها» (۱).

«اطعموا خبالاكم اللبان فان يكن في بطنها غلام خرج ذكئ القلب عالما شجاعا وان يكن جارية حسن خلقها وخلقها».

۲. «الغلام يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (كلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۴۷).

۳. «كريموا اولادكم و احسبوا ادايهم» (حرز عاملي، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۷۶).

«بادروا اولادكم بالكنى قبل ان تغلب عليهم الالفاب» (لحجی، ۱۴۲۰ق، ص).

۴. «اجبوا الصبيان وارحموهم و ادا وعدتموهم شيئا ففوا لهم فانهم لا يدرون الا انكم ترزقونهم» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹).

«لا تُلْقُوا الكذب فتكذبوا، فان بنی يعقوب لم يعلموا ان الذئب ياكل الانسان حتى لفتهم ابوهم» (فيض كاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۸).

۵. «و اما حق و ولدك... انك مسئول عما و لبيته من حسن الادب و الدلالة على ربه» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳).

أدبوا اولادكم على ثلث خصال: حب نبيتك و حب اهل بيته و قراءة القرآن» (الدافغانی، ۱۹۷۷م، ص ۲).

۶. «يا علي حق الولد على والديه ان يحسن اسمه و أدبه و يضعه موضعا صالحا...» (ابن بابويه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۲).

جدول ۱: ضریب روایی محتوایی مؤلفه های تعریف خانواده

ضریب روایی محتوایی	فراوانی			مؤلفه
	کاملاً مرتبط	نیاز به بازبینی	نیاز به بررسی جدی	
۱/۰۰	۷	۲	۰	بناء
۱/۰۰	۷	۲	۰	پیمان زندگی مشترک
۰/۷۸	۶	۱	۲	دائمی
۰/۸۹	۷	۱	۱	یک زن و مرد
۰/۸۹	۴	۴	۱	مسلمان
۱/۰۰	۷	۲	۰	تمایلات جنسی
۱/۰۰	۶	۳	۰	فرزندان
۰/۸۹	۷	۱	۱	فرزند همسر
۰/۷۸	۴	۳	۲	فرزندخوانده
۰/۸۹	۷	۱	۱	پدربزرگ- مادربزرگ
۰/۸۹	۷	۱	۱	آرامش
۰/۸۹	۸	۰	۰	محبت
۰/۸۹	۷	۱	۱	احساس مسئولیت
۱/۰۰	۶	۳	۰	مسکن واحد
۱/۰۰	۹	۰	۰	مدیریت مرد
۰/۸۹	۷	۱	۱	تامین معیشت
۰/۸۹	۷	۱	۱	محافظت
۰/۸۹	۶	۲	۱	پرورش

جمع بندی

تعاریف زیادی برای خانواده ارائه شده است که تنها به نمونه‌هایی از آن در این پژوهش اشاره شد. با قطع نظر از محدودیت‌های موجود بر سر راه تعریف و نیز جعل و اعتبار، تعاریف ارائه شده از عدم جامعیت، متأثر بودن از مبانی نظری اندیشمندان و حتی جامعه‌ای که در آن زندگی کرده‌اند رنج می‌برند؛ این مساله و در صورتی که بحث جعل و اعتبار مطرح شود نمی‌توان اشکال خاصی را بر این تعاریف وارد دانست چرا که هر تعریفی بر اساس اعتبار آن می‌تواند صحیح باشد.

در همه تعاریف ارائه شده از مولفه‌های متعددی کمک گرفته شده است. برخی مولفه‌ها در بیشتر تعاریف خانواده مورد استفاده قرار گرفته و برخی مولفه‌ها تنها در برخی تعاریف و هم چنین برخی تعاریف بر اساس عمل‌کردهای خانواده، برخی بر اساس ساختار خانواده و

برخی ترکیبی از این دو و یا براساسی دیگر است. در ادامه و در جمع‌بندی مطالب نگاهی مقایسه‌ای می‌شود بین مولفه‌های به دست آمده از منابع اسلامی با سایر تعاریف ارائه شده. چنان‌چه اشاره شد برخی تعاریف ارائه شده براساس کارکردهای خانواده است، کارکردهایی چون تربیت فرزندان (مک آیور)، تولید مثل (مک آیور و مرداک)، نگهداری از کودکان (گیدنز)، تولید فرهنگ (برگس و لاک) و همکاری اقتصادی (مرداک) که از این میان تولید مثل، نگهداری و تربیت فرزندان با عناصری که در بررسی منابع اسلامی به دست آمد مشترک است. البته این مساله به معنای رد همکاری اقتصادی و یا مخالفت با ایجاد خرده فرهنگ نیست، بلکه هر خانواده و جمع جدیدی خرده فرهنگی را ایجاد خواهد کرد. هم‌چنین زندگی اجتماعی به دور از مسائل اقتصادی چندان قابل تصور نیست اما این دو به عنوان شاخصه‌های اصلی خانواده به معنای اسلامی آن شناخته نمی‌شوند؛ آنچه در اسلام و در باب فرهنگ قابل ذکر است جهت‌دهی ارادی و هدف‌مند مذهبی است و در باب اقتصاد، عمدتاً مرد متولی اقتصاد خانواده است.

برخی تعاریف شاخصه‌ی اصلی خانواده را روابط جنسی (مک آیور، لویی، برگس و لاک، کوئن) و یا روابط منشعب از آن (دیویس، برگش و لاک، کوئن) قرار داده‌اند. از شاخصه‌های خانواده از نگاه اسلام مسئولیتی است که زن و مرد براساس بیمان منعقد شده در قبال هم دارند و تأمین نیاز جنسی یکی از این مسئولیت‌هاست، ولی نمی‌توان پایه‌ریزی خانواده را بر این اساس دانست. خانواده از نگاه اسلام خلاصه در تأمین نیاز جنسی نیست تا به عنوان شاخصه‌ی اصلی خانواده مورد توجه قرار گیرد بلکه اسلام آن را محرکی جهت دست‌یابی به اهداف دیگر دیده است و چنان‌چه مساله فقط جنسی باشد اسلام راه دیگری را (ازدواج موقت) پیشنهاد داده است.

برخی تعاریف پیوند بین اعضا را مشخصه‌ی اصلی خانواده (لویی) و یا از عناصر (دیویس، گیدنز) تعریف قرار داده‌اند؛ چنان‌که در بررسی معاجم لغت دیدیم اساساً معادل خانواده در زبان عربی اهل بیت است که گفته شد بر گروهی اطلاق می‌شود که بین اعضای آن الفت و وجه جمعی باشد. وجه جمعی که همه‌ی اعضا در آن اشتراک دارند محل سکونت است که به عنوان یکی از مولفه‌ها ذکر گردید.

ایفای نقش براساس روابط، بارزترین نکته‌ای است که در تعریف راجرز و مینوچین آمده

است. در این خصوص باید گفت این نکته بیش از آن که معرف خانواده باشد، بیان‌گر دیدگاه فردی این اندیشمندان نسبت به خانواده است. تاکید بر نقش که در اصل واژه‌ای با مفهوم جامعه‌شناختی است امری است که برآیند آن در عمل‌کرد خانواده خود را نشان می‌دهد. در این میان برخی از عمل‌کردها مورد تاکید و تایید منابع اسلامی می‌باشد.

در بسیاری از تعاریف به اعضای خانواده به عنوان یکی از عناصر تعریف پرداخته شده است. این عنصر با توجه به تاکیداتی که اسلام در خصوص فرزنددار شدن و هم‌چنین مسئولیتی که پایه‌گزاران خانواده نسبت به آن‌ها دارند مورد توجه قرار گرفته است.

مینوچین عضویت دائمی را از عناصر خانواده مطرح ساخته است. در تعریف گیدنز نیز تحت عنوان وفاداری به نوعی این عضویت دائمی را برای زن و مرد مورد تایید قرار داده است. منابع اسلامی نیز به بحث زمان پرداخته‌اند اما باید توجه داشت که این قید صرفاً در خصوص زن و مرد به عنوان پایه‌گزاران خانواده است، سایر اعضای خانواده به طور طبیعی نمی‌توانند این‌گونه قیدی را داشته باشند. برای مثال عضویت فرزندان در خانواده اصلی تا زمانی است که فرزندان خانواده مستقل تشکیل نداده باشند. چنان‌چه در متن اصلی مقاله آمده است «قید دائمی بودن» پیمان ازدواج، تایید اکثریت کارشناسان را به دست نیآورد اما باید توجه داشت که دلیل اصلی کارشناسان مخالف با «دائمی» بودن عقد ازدواج، ظرفیت عقد ازدواج موقت برای تشکیل خانواده است به این معنا که ازدواج موقت در عین زمان دار بودن می‌تواند طولانی مدت بسته شود تا مثلاً والدین بتوانند نقش‌های والدینی را ایفا کنند.

محل سکونت واحد عنصری است که در بین تعاریف نقل شده در این پژوهش تنها در تعریف نقل شده از خانواده درمان‌گران و مرداک مورد توجه قرار گرفته است، اما در منابع اسلامی حتی در معادل لغوی خانواده به آن اشاره شده است و اساساً وجه جامع اعضای خانواده همین عنصر محل زندگی واحد است.

عاطفه عنصری است که مورد تاکید اسلام است و تنها در تعریف گلدنبرگ به آن پرداخته شده است؛ چنان‌که گذشت این مولفه از جمله مولفه‌هایی است که هم آیات متعدد و هم روایات زیادی به آن پرداخته‌اند.

پیمان زندگی مشترک عنصری است که در سایر ملل غیر اسلامی نیز دیده می‌شود اگر چه در محتوا تفاوت‌هایی با هم داشته باشند اما در تعاریف مطرح شده تصریحی بر آن صورت

نگرفته است. در برخی تعاریف مثل تعریف لویی که خانواده را صورتی از روابط جنسی مورد تایید جامعه تعریف کرده است اشاره‌ای به این مولفه وجود دارد اما از صراحت لازم برخوردار نیست و وجه الزام‌آور و تعهدی مساله برجسته نیست.

در خصوص تعریف مطرح شده از نگاه اسلام دو مساله قابل توجه است، مساله اول این که وجه اعتبار این تعاریف مشخص شده است به این که وجه اعتبار، نگاه اسلام به خانواده است اما مساله دوم این که این پژوهش‌گران مستندات خود را بیان نکرده‌اند، بنابراین امکان بررسی و نقد جدی و دقیق تعاریف وجود ندارد و به همان مقایسه تعاریف بسنده می‌شود. برخی از مباحث مقایسه‌ای مشترک با مباحث قبل است لذا از تکرار آن‌ها خودداری و به نکات متفاوتی که در این تعاریف وجود دارد پرداخته می‌شود.

شهید مطهری خانواده را نهادی اجتماعی، اخلاقی و حقوقی معرفی کرده است. نکته قابل ذکر این است که مگر نمی‌توان خانواده را نظامی روان‌شناختی معرفی کرد؟ از زوایای مختلفی می‌توان به خانواده نگاه کرد که هر یک به جای خود صحیح نیز می‌باشند اما باید وجه تقدم برخی را بر برخی دیگر بیان داشت.

نکته متفاوت دیگری که در تعریف شهید مطهری با سایر تعاریف وجود دارد این است که خانواده را دارای ماهیتی متفاوت و اصیل‌تر از سایر نهاد‌های اجتماعی می‌داند. لازمه تعریف و جداسازی و اساساً تعریف یک چیز این است که ماهیت آن را با بندهای تعریف از غیر آن جدا سازد نه این که صرفاً به تفاوت داشتن، صرف نظر از روشن‌سازی اشاره شود. در خصوص اصیل بودن این واحد اجتماعی نیز باید گفت که بسیاری بر کوچک‌ترین واحد اجتماعی بودن خانواده تاکید داشته‌اند، اما به نظر نمی‌رسد کوچک یا بزرگی این واحد اجتماعی دخلی در تعریف و شناساندن ماهیت آن داشته باشد و یا حداقل می‌توان گفت در منابع اسلامی مستندی که اشاره به آن داشته باشد یافت نشد.

زحیلی خانواده را بر افرادی اطلاق می‌سازد که از ارتباط بین زن و مرد نشات می‌گیرد و دامنه آن را به خاله‌ها و دایی‌ها نیز می‌رساند. این تعریف زحیلی از طرفی دارای دامنه‌ای گسترده است و از طرفی برخی از اعضای اصلی را دربر نمی‌گیرد. اگر چه قطعاً ایشان زن و مرد را از اعضای اصلی خانواده می‌داند اما تعریف ایشان این عضویت را بیان نکرده است بلکه آن را اطلاق بر افراد منشعب از ارتباط زن و مرد تعریف کرده است؛ هم‌چنین دامنه تعریف شده در

تعریف معادل خاندان در فارسی و عشیره در عربی است.

قرشی بسیار برجسته‌تر از دیگران مساله جنسی را مطرح ساخته است. علی‌رغم آن‌که این مولفه در تعاریف زیادی مورد توجه قرار گرفته است اما نمی‌توان خانواده را بر محور آن تعریف کرد. در منابع اسلامی به حکمت‌گریزه جنسی برای تولید مثل اشاره شده است، بنابراین شکل‌گیری خانواده و تولید مثل را می‌توان برآیندی از این مساله دانست، اما این مساله‌ی همه‌ی خانواده نیست بلکه باید به عنوان عنصری از عناصر تعریف‌کننده خانواده در نظر گرفته شود و سایر مولفه‌ها به ادله‌ای که ذکر شد نیز مورد توجه قرار گیرند.

به رابطه سببی و نسبی در تعریف سالاری فرو و برخی تعاریف دیگر اشاره شده است و در میان عناصر به دست آمده در این پژوهش نیز این روابط مد نظر قرار گرفته است، اگرچه در این تعریف بر سببی یا نسبی بودن نیز تصریح شده است. به عبارت دیگر اعضای خانواده مورد توجه بسیاری از تعاریف قرار گرفته است که طبیعتاً ارتباط آن‌ها یا سببی است و یا نسبی و برخی چون سالاری فر به نوع نسبت تصریح کرده‌اند و البته مستندی دال بر ضرورت ذکر نسبت‌ها یافت نشد بلکه با توجه به روشن بودن این نسبت که یا سببی است و یا نسبی از طرفی و ترجیح رعایت جنبه اختصار در تعاریف، ذکر نسبت‌ها امری زائد است.

به نظر می‌رسد ذکر انواع مسئولیت که در تعریف سالاری فر به آن پرداخته شده است با توجه به این‌که از بسیاری مولفه‌ها غفلت شده است مساله‌ای غیرضروری بلکه زائد است. البته نکات دیگری در خصوص این تعریف وجود دارد از جمله این‌که اگر قرار بر ذکر مسئولیت‌هاست پس جایگاه مسئولیت‌های اخلاقی در خانواده کجاست؟ و یا نسبت مسئولیت‌های دینی با سایر مسئولیت‌ها چیست؟

نکته قابل توجه در تعریف پناهی قید «حداقل یک زن» است. به نظر می‌رسد ازدواج مجدد تشکیل خانواده جدید است و شکل غالبی از ازدواج به‌ویژه به عنوان «کوچک‌ترین واحد» که ایشان در تعریف خود قید کرده‌اند همان یک زن و یک مرد است. مزید بر این‌که عقد ازدواج چنان‌که قبلاً ذکر گردید با انشاء زن و قبول مرد محقق می‌شود بنابراین واحد خانواده، یک زن و یک مرد است. علاوه بر همه‌ی نکات ذکر شده، غیر از تجویز تعدد زوجات برای مرد مستندی که بتوان خانواده را بر اساس آن تعریف کرد یافت نشد و واضح است که تجویز تعدد زوجات برای مرد متفاوت است از این‌که بخواهیم خانواده را بر اساس آن تعریف کنیم.

در کل عناصر مورد تایید منابع اسلامی که دلالت آن‌ها توسط کارشناسان روایی سنجی مورد تایید قرار گرفت عبارتند از «بناء، پیمان زندگی مشترک، دائمی، یک زن و مرد، مسلمان، تمایلات جنسی، فرزندان، فرزند همسر، فرزندخوانده، پدربزرگ- مادر بزرگ، آرامش، محبت، احساس مسئولیت، مسکن واحد، مدیریت مرد، تامین معیشت، محافظت و پرورش». بر اساس عناصر به دست آمده از منابع اسلامی می‌توان خانواده را به شرح زیر تعریف کرد:

«خانواده بنائی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و براساس آن غالباً زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدر و مادر بزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تامین معیشت مرد زندگی می‌کنند؛ زوجین نسبت به نیازهای هم به‌ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند.»

منابع

* قرآن کریم.

۱. علی بن موسی الرضا، طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، محقق / مصحح: نجف، محمد مهدی (۱۴۰۲ق)، قم: دارالخيام.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: مجتبی عراقی (۱۴۰۵ق)، قم: دارسید الشهداء للنشر، چاپ اول، تعداد جلد ۴.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه (۱۴۱۳ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ دوم، ج ۳.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، محقق / مصحح: آصف فیضی (۱۳۸۵ق)، قم: مؤسسه آل‌البتیت عليه السلام.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۳۶۳ق)، تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۸. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد (۱۴۰۴ق)، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، محقق / مصحح: احمد موحدی قمی (۱۴۰۷ق)، قم: دارالکتب الإسلامی، چاپ اول.
۱۰. استفان مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر (۱۳۷۶)، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۱. اسدی، لیلیاسادات و میرزازاده، زهرا. (۱۳۹۳)، ارزیابی کارایی معیارهای حمایت از اجتماع در تعامل حقوق کیفری با خانواده، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۸.
۱۲. اسماعیلی، آیت الله. (۱۳۸۱)، حقوق مادر در قرآن و حدیث، حدیث اندیشه، ش ۱.
۱۳. اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چ ۱.
۱۴. امام خمینی، بی‌تا، تحریر الوسیلة، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم.
۱۵. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶ش)، جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ۳۱ جلد، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
۱۶. بستان (نجفی)، شرف الدین، سیدحسین، بختیاری، محمد عزیز، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده (۱۳۸۸)، قم: نشر

- بژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۴۶.
۱۷. بنی‌هاشمی خمینی، سید محمد حسن (۱۳۷۹)، توضیح المسائل مراجع (مطابق با فتاوی‌ای دوازده نفر از مراجع معظم تقلید)، قم: جامعه مدرسین.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج‌الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران: دنیای دانش.
۱۹. پناهی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲)، مبانی نظری نقش مدیریتی مرد در خانواده با رویکردی روانشناختی، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۱۲.
۲۰. پناهی، علی‌احمد (۱۳۸۷)، خانواده از منظر دین و روان‌شناسی، معرفت شماره ۱۳۵.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح‌الحیاه، قم: اسراء.
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل‌الشیعة إلى تحصیل مسائل‌الشریعة، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت (عج)، چاپ اول.
۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن، و سائل‌الشیعه، تهران: المکتبه‌الاسلامی، بی‌تا.
۲۴. حسینی شاه‌العظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیرانی‌عشری، تهران: انتشارات میقات.
۲۵. الدافغانی، الحسین بن محمد (۱۹۷۷م)، اصلاح‌الوجوه و النظائر فی القرآن‌الکریم (قاموس القرآن)، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف‌الرضی.
۲۸. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات‌الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق خسروی، حسینی غلامرضا (۱۳۷۴ش)، تهران: نشر مرتضوی.
۲۹. الراغب‌الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: نشر دارالقلم.
۳۰. زحیلی، وهبه (۱۴۲۰ق)، الاسره‌المسلمه فی العالم‌المعاصر، دمشق: دارالفکر، ص ۲۰، به نقل از فلسفه حقوق خانواده ج ۱ ص ۲۸.
۳۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران.
۳۲. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۴)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۳۳. سالوادر، مینوچین (۱۳۹۵)، خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه ثنائی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۴. سگال، مارتین (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
۳۵. شریف‌قرشی، باقر (۱۳۸۲)، نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)، ترجمه لطیف راشدی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع‌الأخبار (للسعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، بی‌تا، چاپ اول، ص ۱۱۰.
۳۷. الشهبید الثانی، زین‌الدین بن علی الجبعی‌العاملی (۱۴۱۰ق)، الروضه‌البهیة فی شرح‌اللعمه‌الدمشقیه، قم: داوری، چاپ اول.
۳۸. صادقی، مسعود؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ احمدی، سیداحمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عدرا (۱۳۹۴)، تدوین مدل خانواده سالم براساس دیدگاه متخصصان خانواده (یک پژوهش کیفی)، دوفصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ش ۱۶.
۳۹. طاهری، محمدعلی و انصاری‌خوشایر، مسعود (۱۳۸۶)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: نشر محراب فکر.
۴۰. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، العروة‌الوثقی، بیروت: موسسه‌الاعلمی.
۴۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن.
۴۳. ----- (۱۴۱۲ق ۱۳۷۰ش)، مکارم‌الأخلاق، شریف‌رضی، قم، چاپ چهارم.
۴۴. طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۴۵. عالمی طامه، حسن (۱۳۸۷)، عقد فرزندخواندگی، فصل‌نامه علمی پژوهشی حقوق، ش ۱۹.
۴۶. فرید، محمد صادق (۱۳۸۳)، درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، تهران: نشر پیشون، ص ۱۴۰.

۴۷. فرقانی رئیسی، شهلا. (۱۳۸۷)، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، منادی تربیت.
۴۸. فرهنگ معین.
۴۹. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق)، تفسیرالصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: الصدر.
۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق)، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، چاپ اول.
۵۱. فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: نشر موسسه دارالهجرة.
۵۲. قرآنی، محسن. (۱۳۸۳)، تفسیرنور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۳. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دار الحدیث.
۵۵. ----- (۱۴۰۷ق)، (ط الإسلامیه)، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۶. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۷۰)، این است آئین ما، ترجمه ناصر مکارم، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵۷. کوئن، بروس. (۱۳۷۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
۵۸. ----- (۱۳۷۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
۵۹. گلدینگ، ساموئل. (۱۳۸۲)، خانواده درمانی (تاریخچه، نظریه، کاربرد)، ترجمه فرشاد بهاری، تهران: انتشارات تزکیه.
۶۰. گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۸۶)، خانواده درمانی، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی، تهران: روان.
۶۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۶۲. لحجی، عبدالله بن سعید. (۱۴۲۰ق)، منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلى شمائل الرسول صلی الله علیه و آله، جده: دارالمنهاج.
۶۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۶۵. محمدی، علی. (۱۳۹۲)، الگوی مرزبندی ارتباطی زوجین مبتنی بر دیدگاه اسلام، کتابخانه موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۶۶. نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
۶۷. علی بن موسی الرضا (۱۳۸۱ش)، امیرصادقی، نصیرالدین، طب الإمام الرضا علیه السلام، تهران: معراجی.
۶۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۹. موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیرالمیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۰. نجفی جواهری، محمدحسن، جواهرالکلام، (کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقاها).
۷۱. آقاجانی، نصرالله. (۱۳۸۱)، مشارکت‌پذیری اعضای خانواده، مطالعات راهبردی زبان، شماره ۱۶.
۷۲. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
73. <https://www.welayatnet.com/fa/news/97794>
74. <http://lib.eshia.ir/10088/29/349>
75. Wehmeier, Sally; (2005). Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, London, Seventh Edition, publishing by oxford.